



اصل مثبت

اصل مثبت

به اصل عملی دارای اثر شرعی به واسطه امر عادی یا عقلی اطلاق می‌شود.

اصل مثبت

- استصحاب چیزی برای اثبات امری خارجی [۱] است.
- امر خارجی بالنسبه به مستصحب سه حالت دارد:
- لازم: امر خارجی لازم مستصحب باشد (مثل استصحاب حیات زید و نتیجه گرفتن رشد موی او)
 - ملزوم: امر خارجی ملزوم مستصحب باشد (مثل استصحاب آتش و نتیجه گرفتن وجود دود)
 - ملازم: امر خارجی ملازم مستصحب باشد (مثل استصحاب حیات زید و نتیجه گرفتن تپش قلب زید)

فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف
- ۲ - توضیح
- ۳ - حجیت اصل مثبت
 - ۳.۱ - خفی بودن واسطه
 - ۳.۲ - جلی بودن واسطه
- ۴ - نکته
- ۵ - دلایل عدم حجیت
 - ۵.۱ - دلیل شیخ انصاری
 - ۵.۱.۱ - اشکال بر شیخ
 - ۵.۲ - دلیل صاحب کفایه
 - ۵.۲.۱ - اشکال بر صاحب کفایه
 - ۵.۲ - دلیل علامه‌ی حائری
 - ۵.۲.۱ - اشکال بر علامه‌ی حائری
 - ۵.۴ - صدر کلام صاحب کفایه
 - ۵.۴.۱ - جواب نقضی
 - ۵.۴.۲ - جواب حلی
 - ۵.۵ - دلیل استناد
 - ۶ - فرق امارات و اصول عملیه
 - ۶.۱ - محقق خراسانی
 - ۷ - پانویس
 - ۸ - منبع

تعریف

اصل مثبت از اقسام اصول عملی و مقابل اصل غیر مثبت است و به اصلی گفته می‌شود که اثر شرعی مؤدای آن مستصحب در استصحاب به واسطه امری عادی و یا عقلی بر آن مترتب می‌گردد. [۲]

اصل مثبت جایی است که بین مستصحب و بین اثر شرعی یک امر عقلی و عادی واسطه شود. درحالت عادی استصحاب به این شکل است: «مستصحب» << «اثر شرعی». اما در اصل مثبت استصحاب به این شکل است: «مستصحب» << «امر عقلی یا عادی» << «اثر شرعی».

توضیح

اگر موضوعی که به طور مستقیم دارای اثر شرعی است، استصحاب گردد، در این صورت، آن اثر شرعی باید بر مستصحب مترتب گردد، مانند: استصحاب عدالت زید که اثر شرعی آن، جواز اقتدا به او در نماز است، و یا مانند: استصحاب حیات زید که برخی از آثار آن، حرمت تقسیم اموال وی و تزویج زوجه او می‌باشد. اما گاهی موضوعی که استصحاب می‌شود، به طور مستقیم دارای اثر شرعی نیست، بلکه دارای یک لازم عادی است که اگر آن لازم عادی ثابت شود، یک اثر شرعی دارد؛ یعنی اثر شرعی به واسطه امر عادی بر مستصحب بار می‌شود؛ برای مثال، روییدن مو بر چهره، لازمه عادی حیات کودکی است که به مدت بیست سال از نظرها غایب می‌باشد؛ حال اگر بعد از گذشت این مدت، در حیات او تردید شود و نسبت به آن استصحاب حیات جاری گردد و نتیجه گرفته شود که او دارای ریش هم هست در صورتی که پدرش نذر کرده باشد که اگر بر چهره فرزندش مو برود، صد درهم صدقه بدهد، باید به نذر خود عمل کند؛ بنابراین، اثر شرعی (عمل به نذر) به واسطه لازم عادی مستصحب که روییدن مو بر چهره شخص زنده است، اثبات می‌گردد. [۳]

گاهی مستصحب به واسطه یک **لازم عقلی**، دارای اثر شرعی می‌گردد، مثل این که پدری در **تاریخ اول اسفند** فوت کند، و **پسر** او در تاریخ سی‌ام **بهمن** ناپدید شده و چند روز بعد جسدش پیدا شود، در این صورت، فرزند زمانی از پدر **ارث** می‌برد که اثبات گردد هنگام **مرگ پدر**، زنده بوده و بعد از آن فوت نموده است. در این جا اگر با استصحاب، حیات پسر تا روز اول اسفند، اثبات گردد، لازم عقلی آن، تاخر فوت پسر، از فوت پدر است و در نتیجه، اثر شرعی که ارث بردن پسر از پدر است ثابت می‌گردد. بنابراین، به استصحابی که اثر شرعی مستصحب، به واسطه امری عادی یا عقلی، بر آن بار شود، اصل مثبت گویند.

حجیت اصل مثبت

اصولون در **حجیت** اصل مثبت اختلاف دارند و بیشتر محققان معاصر به عدم حجیت آن معتقد می‌باشند، مگر در چند مورد که **استثنا** نموده و آن را **حجت** دانسته‌اند [۴]:

← خفی بودن واسطه

در مواردی که واسطه خفی باشد:

اگر واسطه عادی یا عقلی به قدری خفی باشد که **عرف** آن را به حساب نیاورد، در این صورت، اثر واسطه، اثر خود مستصحب شناخته می‌شود؛ برای مثال، در مورد **وضو یا غسل**، اگر **انسان شک** نماید که آیا مانعی در بدن هست که موجب نرسیدن **آب وضو** یا غسل به پوست شود یا نه، در این صورت، استصحاب عدم مانع جریان پیدا می‌کند، هر چند عدم مانع، موضوع **حکم شرعی** نیست، بلکه **موضوع حکم شرعی**، رساندن آب به همه جای اعضای وضو یا غسل می‌باشد، ولی لازم عقلی عدم مانع، رسیدن آب به تمام اعضا می‌باشد، اما عرف به این واسطه خفی اعتنا نمی‌کند.

← جلی بودن واسطه

در مواردی که واسطه خیلی جلی (اشکار) باشد:

به این معنا که آن قدر میان واسطه و ذی الواسطه اتصال و ارتباط نزدیک برقرار است که عرف **حکم** می‌کند همان طور که در عالم تکوین و واقع نمی‌توان واسطه و ذی الواسطه را تفکیک نمود، در عالم اعتبار هم جدایی آن دو امکان ندارد، خواه منشا این شدت اتصال، لازم و ملزوم بودن باشد یا چیز دیگر. در این صورت، **عرف** می‌گوید: معنای **تعبد** به موضوع، تعبد به لازم و ملازم آن نیز هست. پس شدت اتصال باعث می‌شود اثر واسطه، اثر ذی الواسطه شمرده شود، مثل: استصحاب **ماه رمضان** در «**یوم الشک**» (در صورتی که یوم الشک روز سی‌ام باشد) که باعث می‌شود فردای روز مشکوک، روز **عید** محسوب و **احکام عید** بر آن مترتب گردد. به این ترتیب، فردای «یوم الشک» را روز عید دانستن، از لوازم عقلی **استصحاب** ماه رمضان در یوم الشک می‌باشد، اما عرف چون آن را لازم و ملزوم می‌داند، به واسطه توجه نمی‌کند.

نکته

هر چند بحث از اصل مثبت مربوط به همه **اصول عملی** است، اما اصولون، اصل مثبت را در باب استصحاب بحث نموده و بیشتر مثال‌های آن مربوط به استصحاب است. [۵] [۶] [۷] [۸]

دلایل عدم حجیت

بر عدم حجیت اصول مثبت چند دلیل آورده شده است:

← دلیل شیخ انصاری

شیخ انصاری می‌فرماید آثار دو قسم است [۹]:

- آثار قابل جعل
- آثار غیر قابل جعل

و آثار عقلی و عادی قابلیت جعل ندارند چون آنها اثر نفس متیقن نیستند

← اشکال بر شیخ

اشکال به شیخ در اینجا است که:

- همه وقوع اصل مثبت را ممکن می‌دانند و در اثبات (آیا حجت است یا نه) بحث می‌کنند
- شیخ وقوع اصل مثبت را محال می‌داند و در مقام ثبوت اشکال دارد (که پذیرفته نیست)

← دلیل صاحب کفایه

استدلال محقق خراسانی به شکل زیر است:

اصل مثبت --- اثر شرعی مع الواسطه است.
اثر شرعی مع الواسطه --- خارج از قدر متیقن لاتنقض است.

نتیجه

: اصل مثبت --- خارج از قدر متیقن لاتنقض است.

← اشکال بر صاحب کفایه

اشکال در کلیت کبری است چون :

اثر شرعی مع الواسطه --- در تخاطب امام با زراره نیست.
هر آنچه در تخاطب امام نباشد --- مضر به قدر متیقن نیست.

نتیجه

: اثر شرعی مع الواسطه --- مضر به قدر متیقن نیست.

← دلیل علامه‌ی حائری

علامه‌ی حائری در در می فرماید:
اصل مثبت --- اثر شرعی مع الواسطه است.
اثر شرعی مع الواسطه --- خارج از انصراف لاتنقض است.

نتیجه

: اصل مثبت --- خارج از انصراف لاتنقض است.

← اشکال بر علامه‌ی حائری

انصراف در جایی است که کثرت استعمال باشد پس در اینجا کثرت استعمال وجود ندارد پس خارج از انصراف لاتنقض نیست.

← صدر کلام صاحب کفایه

صاحب کفایه می فرماید: لاتنقض الیقین بر ترتب آثار متیقن دلالت دارد و بر آثار غیر متیقن دلالت ندارد.

← جواب نقضی

اگر همین اثر شرعی یک اثر شرعی دیگر داشته باشد بنا بر مبنای محقق خراسانی نباید اثر آن را بار کنیم

← جواب حلی

لازم [۱۰] دو گونه است:
• لازم بین: جایی است که تصور ملزوم ملازم با تصور لازم باشد (مثلا وقتی کلمه آفتاب را می شنویم، نور را همراهش تصور می کنیم)
• لازم غیر بین: جایی است که ملزوم تصور شود ولی لازمش به ذهن ما خطور نکند
لذا تفصیل فائل می شویم که:
• اگر لازم بین باشد << اثر لاتنقض بار می شود.
• اگر لازم غیر بین باشد << اثر لاتنقض بار نمی شود.

← دلیل استناد

استصحاب در دو جا به کار می رود:
• استصحاب در احکام
• استصحاب در موضوعات

استصحاب در موضوعات به همراه کبرای شرعی مفید فایده است
مثلا: استصحاب می کنیم آب آفتابه پاک است پس صغرای مسئله درست شد که: این آب پاک است
و کبرای مسئله می گوید: کل نجس غسل بماء طاهر فهو طاهر

نتیجه

می گیریم که عباپی که با این آب شستیم، پاک است
پس اگر مستصحب واسطه عقلی یا عرفی داشته باشد کبری اثر شرعی ندارد.

فرق امارات و اصول عملیه

فرق بین امارات و اصول عملیه این است که لوازم امارات حجت است ولی لوازم اصول عملیه حجت نیست.

← محقق خراسانی

محقق خراسانی می فرماید اماره از واقع خبر می دهد.

پانویس

۱. ↑ درس خارج اصول آیت الله سبحانی دوشنبه ۲۴ آبان ۸۹
۲. ↑ انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۳، ص ۴۲۴-۴۲۰.
۳. ↑ اصطلاحات الاصول، مشکینی، علی، ص ۶۱-۶۰.
۴. ↑ المحصول فی علم الاصول، سبحانی تبریزی، جعفر، ج ۴، ص ۱۷۳-۱۵۶.
۵. ↑ فرائد الاصول، انصاری، مرتضی بن محمد امین، ج ۲، ص ۲۳۸.

۶. ↑ اصول فقه، رشاد، محمد، ص ۲۶۵. محمد کاظم بن حسین، ص ۴۱۴-۴۱۶. کفایه الاصول، اخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ص ۴۱۴-۴۱۶.
۸. ↑ کفایه الاصول، فاضل لنکرانی، محمد، ج ۵، ص ۴۴۸-۴۴۶.
۹. ↑ فرائد الاصول، انصاری، مرتضی بن محمد امین، ج ۲، ص ۲۲۴.
۱۰. ↑ درس خارج اصول آیت الله سبحانی سه‌شنبه ۲۵ آبان ۸۹ [۸]

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۱، ص ۵۶۲ و ۵۶۳. فرهنگ فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص ۲۱۲، برگرفته از مقاله «اصل مثبت».

رده‌های این صفحه : استصحاب | اصول عملیه | اصول فقه